

راهبرد کیفی پژوهش قوم‌نگاری:

مفهوم، پارادایم، ویژگی‌ها و مباحث تکمیلی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۸

علیرضا پویا*، زینب ملکی**

چکیده:

قوم‌نگاری یکی از روش‌های کیفی تحقیق در علوم انسانی است. در این روش محقق با درگیری فعال در میدان تحقیق به دنبال مشارکت در توسعه معرفت علمی در گروه‌ها یا فرهنگ‌هاست. در این رویکرد، افراد، با استفاده از ابزارهایی متنوع، به منظور دریافت معانی اجتماعی در شرایط طبیعی بررسی می‌شوند. مشاهده گروه پژوهش در شرایط طبیعی و سرانجام تحلیل و ارزیابی یافته‌ها در زمینه و بستر پژوهش باعث دیدی جامع در تحقیق قوم‌نگاری با اعتبار نسبتاً بالایی شده است. در این مقاله سعی شده است ابعاد گوناگون پژوهش قوم‌نگاری بررسی شود. به همین منظور، پارادایم و روش‌شناسی غالب در این روش و مراحل تحقیق با رویکرد قوم‌نگاری معرفی شده است. در نهایت رویکردی نو با عنوان «قوم‌نگاری انتقادی» مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها:

تحقیق کیفی، قوم‌نگاری، تحلیل محتوا، نظریه مفهوم‌سازی بنیادی، قوم‌نگاری انتقادی.

*. استادیار گروه مدیریت دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول Alirezapooya@um.ac.ir

** . دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

قوم‌نگاری^۱ یا مردم‌نگاری ریشه در انسان‌شناسی دارد و به معنای نوشتن درباره شیوه زندگی هر قوم یا اجتماع است. این راهبرد پژوهش را «بررسی میدانی» یا حتی «کار میدانی»^۲ نیز می‌نامند؛ زیرا کار میدانی بخشی اساسی از این پژوهش است. محقق قوم‌نگار، با گذراندن وقت خود در میدان تحقیق، به توصیف اعتقادات، فرهنگ و شیوه زندگی افراد پژوهش‌شده می‌پردازد (مک نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶؛ Riemer, 2008). از این رو قوم‌نگاران، به طور عمیق و از نزدیک، زندگی گروهی خاص را بررسی می‌کنند و از این طریق با زمینه فرهنگی و رسوم زندگی اجتماعی‌شان آشنا می‌شوند، تا بتوانند آن‌ها را مستند کنند (Briggs, 2011; Myers, 1999). قوم‌نگاران معمولاً با استفاده از این روش قصد دارند اطلاعاتی را فراتر از آنچه خود افراد بیان می‌کنند و نیز درک سیستم فرهنگی آن‌ها به دست آورند. از این رو قوم‌نگاران افراد را در شرایط طبیعی و زندگی روزمره‌شان بررسی می‌کنند؛ به همین دلیل صدای افراد یکی از ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق است (Goulding, 2005). بر خلاف پژوهش‌هایی که با روش بررسی اجتماعی آماری صورت می‌گیرد، در اینجا هدف یافتن علت‌ها و تبیین‌ها نیست، بلکه بیشتر توصیف واقعیت‌هاست. البته، در نتیجه چنین توصیف‌هایی برای پژوهشگر یا دیگران، این امکان به‌خوبی وجود دارد که درباره علت این‌گونه رفتارهای مردم نظریه‌هایی عرضه کنند (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳). این ویژگی‌های تحقیقات قوم‌نگاری موجب می‌شود تا پژوهشگر زمان زیادی را در میدان تحقیق سپری کند.

طی این تحقیق، محقق مدت زمانی طولانی را (گاهی اوقات چند سال) در جامعه‌ای زندگی می‌کند و، به واسطه آن، مشاهداتی دقیق از شیوه زندگی آنان انجام می‌دهد (Sommeerville et al., 1992). سپس اطلاعات را جمع‌آوری می‌کند. در تحقیقات قوم‌نگاری اغلب از دو روش برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود: مشاهده و مصاحبه. از این رو یکی از امکانات تحقیقات قوم‌نگاری استفاده هم‌زمان از چندین روش در جمع‌آوری اطلاعات

1. Ethnography

2. Field Work

است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، ساختاربندی، سازماندهی و شیوه‌های عملی زندگی در جوامع و گروه‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود (Sommeerville et al., 1992). ویژگی کلیدی تحقیقات قوم‌نگاری این است که محقق در ابتدا باید بدون هیچ پیش‌فرضی وارد گروه پژوهش‌شونده شود. در واقع، در این تحقیقات هیچ‌گونه سؤال از پیش تعیین‌شده‌ای (حداقل در ابتدای کار) برای پاسخ‌گویی وجود ندارد. محقق نیز نباید ارزش‌های خود را بر گروه تحمیل کند و بر اساس مشاهدات خود قضاوت کند (همان منبع). با توجه به اینکه محققان قوم‌نگار در تلاش‌اند به مکانی وارد شوند تا بتوانند از نزدیک زمینه فرهنگی و اجتماعی افراد را بررسی کنند، این تحقیقات مهم‌ترین پژوهش‌های بستری و فرهنگی شناخته می‌شود (Iqbal et al., 2003).

یکی از دشواری‌های تحقیقات قوم‌نگاری دستیابی به میدان پژوهش است. دستیابی به افراد، گروه یا سازمان مورد پژوهش نخستین وظیفه پژوهشگر است و این کار گاهی آسان و گاهی دشوار است. حضور پژوهشگر نیز ممکن است رفتار شرکت‌کنندگان یا عمل نظام اجتماعی مورد پژوهش را تغییر دهد. در واقع، جوهر و ذات قوم‌نگاری و ثبت دقیق چیزی است که در گروه مورد پژوهش استنتاج می‌شود (هومن، ۱۳۸۵).

در این مقاله ابتدا تعاریفی از رویکرد قوم‌نگاری عرضه شده و سپس به پارادایم‌ها، مراحل تحقیقی لازم و در طی آن به ابزارهای لازم کار میدانی، از جمله تحلیل محتوا در قوم‌نگاری و استفاده از فرایند مفهوم‌سازی بنیادی، اشاره شده است. سرانجام با نگرشی جامع به نقاط قوت و ضعف این روش اشاره و رویکردی نو با عنوان قوم‌نگاری انتقادی، که یکی از گونه‌های تحقیقات قوم‌نگاری است، معرفی شده است. سپس به برخی از کاربردهای آن در حوزه‌های تحقیقاتی گوناگون پرداخته شده است.

پارادایم و معرفت‌شناسی غالب در تحقیق قوم‌نگاری

پارادایم مجموعه‌ای از باورهای بنیادی است که اصول نهایی یا اولیه پژوهش و آموزش را تعیین می‌کند. پارادایم‌های تحقیقی چارچوب‌های پژوهشی را برای پژوهشگران فراهم می‌کند (پویا و طباطبائی، ۱۳۹۰). با توجه به حضور فعال سه پارادایم در تحقیقات علوم انسانی با عناوین

«پارادایم پوزیتیویستی^۱»، «پارادایم تفسیری^۲» و «پارادایم انتقادی^۳»، نظریه و روش تحت هدایت آن‌ها تعیین می‌شود. تحقیق قوم‌نگاری نیز می‌تواند بر اساس هر کدام از این روش‌ها صورت پذیرد.

● پارادایم پوزیتیویستی یا اثبات‌گرایی: اثبات‌گرایی عبارت است از رهیافتی فلسفی. طبق نظریه یا نظام مبتنی بر این دیدگاه، هم در دانش‌های طبیعی و هم در دانش‌های انسانی، تجربیات و پردازش منطقی و ریاضی آن‌ها یگانه سرچشمه اطلاعات درست به حساب می‌آید (ساروخانی، ۱۳۸۲). اثبات‌گرایی قدیمی‌ترین و رایج‌ترین روش نگاه به علم محسوب می‌شود (Caza, 2005; Baker, 2005). پژوهشگران اثبات‌گرا، با تکیه بر روش‌های کمی و تجربی تحقیق، داده‌های کمی دقیق را، که اغلب ناشی از تجربه‌ها و بررسی‌های آماری است، جست‌وجو می‌کنند. این پژوهشگران بر معیارهای دقیق، تحقیق عینی و بی‌غرضانه تأکید می‌کنند و فرضیه‌ها را به وسیله تحلیل اعداد حاصل از این معیارها و نیز اندازه‌گیری‌ها می‌آزمایند. بر اساس این رویکرد، تبیینی درست است که به طور منطقی، با قوانین، مرتبط، با واقعیت‌ها، منطبق و تکرارپذیر باشد. بنابراین، در این رویکرد، تبیین بر اساس واقعیت‌ها و از طریق مشاهده ایجاد می‌شود. ارزش‌های اصلی این پارادایم عینیت‌گرایی، تعمیم‌پذیری و عقلانیت است (گوتتر، ترجمه نیکو، ۱۳۸۴). چنانچه قوم‌نگاری بر پایه پارادایم اثباتی عرضه شود، به کاربرد رویکرد کمی تحقیق به منظور توصیف پدیده مورد پژوهش اهتمام خواهد شد. در این روش سعی بر این است که محقق بتواند، با توجه به فنون رویکرد کمی تحقیق، به نوعی بتواند وقایع را توصیف، تبیین و دسته‌بندی کند (ایمانی، ۱۳۸۱).

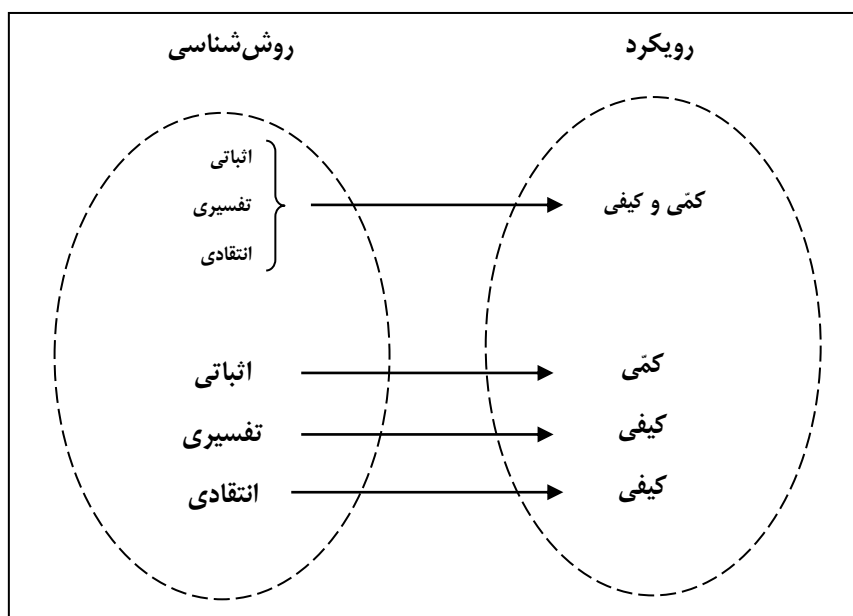
● پارادایم تفسیری: پارادایم غالب در تحقیق قوم‌نگاری پارادایم تفسیری است. هدف تفسیرگرایی مانند پدیدارشناسی این است که بداند چگونه آزمودنی مورد پژوهش زندگی خود را درک می‌کند. استئینار کواله^۴ (۱۹۹۶) این دیدگاه را در مقابل رهیافت اثبات‌گرایی قرار می‌دهد و بیان می‌کند که این رهیافت از کسب دانش، از طریق مشاهده بیرونی و دست‌کاری تجربی آزمودنی‌های انسانی، دور می‌شود و به گفت‌وگو با انسان‌ها روی می‌آورد

1. Positivism
2. Interpretive
3. Critical
4. Steinar Kvale

تا آن‌ها را بشناسد. در این روش، آزمودنی‌ها نه فقط به سؤال‌هایی که کارشناس تهیه کرده است جواب می‌دهند، بلکه خود آنان در گفت‌وگوهای درک خود را از زندگی خویش فرمول‌بندی می‌کنند (بی، ترجمه فاضل، ۱۳۸۷). هدف استفاده از این رویکرد ایجاد و توسعه فهم زندگی اجتماعی و نیز کشف این مطلب است که افراد چگونه در شرایط مختلف معنا را ایجاد می‌کنند. فهم اینکه آن‌ها چگونه زندگی خود را تجربه می‌کنند؛ برای دستیابی به این هدف، محقق پدیده‌ها را از زوایای مختلف بررسی و احساس می‌کند. از این رو دلیل اجرای این رویکرد درک و تشریح عمل اجتماعی معنادار است. بر اساس این رویکرد، زندگی انسان در تعامل بین انسان‌ها معنا می‌یابد و واقعیت اجتماعی خارج از آگاهی انسان‌ها و مستقل از آن‌ها وجود ندارد (Lowenberg, 1993). پارادایم تفسیری تحقیق قوم‌نگاری را به سمت فهم و درک پویا از سیستم اجتماعی هدایت می‌کند تا، از طریق آن، بر چگونگی شکل‌گیری نظام اجتماعی وقوف یابد. محقق قوم‌نگار، با به‌کارستن این روش، از توصیف دقیق و عمیق مورد پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی تحقیق سود می‌جوید (ایمانی، ۱۳۸۱). بدین صورت محقق قوم‌نگار با استفاده از رویکرد تفسیری وارد زندگی گروه پژوهش می‌شود و، با استفاده از رویکردهای آن، با جمع‌آوری اطلاعات درباره گروه و مطلع آن، کار خود را به سرانجام می‌رساند.

● پارادایم انتقادی: هدف از اجرای این رویکرد در تحقیق تغییر دنیا و دگرگونی‌های اجتماعی است. انتقادگرایان عمل‌گرا هستند و روش‌های موجود شناخت پدیده‌ها را کافی نمی‌دانند و به همین دلیل به دنبال اصلاح مداوم در روش‌هایند. این رویکرد در پی نقد وضع موجود در امر اجتماعی است و، علاوه بر درک جهان، به دنبال تغییر آن است؛ از این رو نظریه‌پردازان آن جامعه را مرکب از عناصری متضاد با هم می‌بینند و به دنبال راه حلی برای تعارض اجتماعی هستند (Baker, 2004). پارادایم انتقادی یکی از بسترهای تحقیقات قوم‌نگاری است که به منظور هدایت این تحقیقات بر اساس پیش‌فرض‌های اساسی خود، مانند اصالت تحول، عدالت و آزادی، فعالیت می‌کند. از قوم‌نگاری بر اساس پارادایم انتقادی تحت عنوان «قوم‌نگاری انتقادی^۱» یا «قوم‌شناسی» یاد می‌شود.

به طور کلی، درباره اینکه کدام تبیین درست است، اثبات‌گرایان از طریق به قیاس در آوردن فرضیه‌ها و آزمودن آن‌ها از طریق مشاهده‌های تکرارپذیر اقدام به سنجش درستی و یا غلطی آن‌ها می‌کنند. تفسیرگرایان، از طریق سیستم معانی و اینکه آیا قواعد رفتاری برای افراد تحت پژوهش قابل فهم است یا نه، واقعیت اجتماعی را درک و تغییر می‌دهند. سرانجام نیز انتقادگرایان، از طریق تشریح درست شرایطی که به وسیله ساختارهای اصلی ایجاد شده است و نیز انتقاد از آن‌ها، تغییر اجتماعی را می‌آزمایند. شکل شماره (۱) درکی سازمان‌یافته از تحقیقات قوم‌نگاری و ارتباط آن را با سه پارادایم نشان می‌دهد.



شکل شماره (۱): پارادایم تحقیق قوم‌نگاری و رویکرد پژوهش (ایمانی، ۱۳۸۱)

فرایند پژوهش با رویکرد تحقیقات قوم‌نگاری

مراحل تحقیق در قوم‌نگاری تا حدودی با مراحل تثبیت‌شده در دیگر بررسی‌های اجتماعی متفاوت است. تحقیقات میدانی ماهیتی اکتشافی دارد و به همین دلیل قوم‌نگاران

علاقه‌مند هستند که با پیمایشی شروع کنند که، در ضمن آن، موارد اساسی مانند زبان مورد پژوهش، اتصالات خویشاوندی در بین آن‌ها، اطلاعات سرشماری، داده‌های تاریخی و ساخت میدان تحقیق را به‌خوبی فراگیرند. از این رو، یکی از ویژگی‌های فرایند تحقیق در قوم‌نگاری انعطاف‌پذیری و ترکیب‌پذیری آن در به‌کارگیری هم‌زمان روش‌های مختلف تحقیق است. با این رویکرد می‌توان مراحل زیر را برای اجرای این تحقیقات دنبال کرد:

مرحله گزینش موضوع مورد بررسی

در پژوهش قوم‌نگاری، مانند هر پژوهش دیگری، ابتدا باید در مورد گزینش و گروه مورد بررسی تصمیم‌گیری کرد. این گزینش معمولاً بر مبنای علایق گسترده و کنجکاوی بنیادی پژوهشگر صورت می‌گیرد. در این مرحله میان فرض‌های نظری، علایق پژوهشگر و روش‌های پژوهشی معمولاً تأثیر و تأثر متقابل برقرار است (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳). رفتار انحراف‌آمیز همیشه موضوع محبوب پژوهش قوم‌نگاری بوده است. با توجه به ماهیت اساساً پنهانی بیشتر رفتارهای انحراف‌آمیز، آن‌هایی که این رفتارها را دارند بعید است که به میل خودشان با پژوهشگر مصاحبه کنند و یا، در بررسی، دست‌کم پاسخ‌های درستی به پژوهشگر دهند. مسئله همچنان این است که کدام گروه منحرف را می‌توان بررسی کرد و آن گروه تا چه حد نمونه گروه‌های منحرف دیگر است. قوم‌نگاران در عمل گرایش به این دارند که به مسئله نمونه بودن یا نبودن گروهی خاص توجه چندانی نکنند، ولی خواننده باید این نکته را تشخیص دهد که انتخاب گروه خاص در واقع نوعی نمونه‌گیری است و مسئله بازنا بودن این گروه همچنان به قوت خود باقی است (مک نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶). پس از انتخاب موضوع و جامعه مورد نظر محقق، کار اصلی تحقیق شروع می‌شود و باید گام‌های بعدی را دنبال کرد.

مرحله بازبینی نوشته‌ها و مدارک مربوط به موضوع بررسی

این مرحله در پژوهش قوم‌نگاری نیز مانند هرگونه پژوهش دیگری اهمیت دارد (مک نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶؛ دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳). در این مرحله از تحقیق، محقق به

دنبال اسناد و مدارک موجود می‌رود تا مبدا مطلب مهمی را از قلم انداخته باشد. در واقع، در این بخش محقق باید پیشینه تحقیقی خود را جست‌وجو کند و به دنبال سرنخ‌های موجودی باشد که او را در حل مسئله کمک می‌کند. از این رو، در هر موضوع تحقیقی، گذراندن این مرحله برای پژوهشگر ضروری است.

مرحله پیوستن به گروه مورد بررسی و جمع‌آوری اطلاعات

این مرحله یکی از کلیدی‌ترین مراحل در فرایند قوم‌نگاری است و انتخاب روش درست در این مرحله می‌تواند موفقیت کلی تحقیق را به همراه آورد.

معمولاً تحقیق قوم‌نگاری به این عمل شهرت دارد که در طی تحقیق از روش‌های متعددی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌کند. در پژوهش قوم‌نگاری جمع‌آوری اطلاعات بر حسب نیازهای تحقیق صورت می‌گیرد؛ به همین دلیل برای هر نوع تحقیق می‌توان از روش منحصر به فردی استفاده کرد. به همین منظور، قوم‌نگاران به مشاهده می‌پردازند، مصاحبه می‌کنند و، به طور کلی، در پی آثار و شواهدی می‌روند که به آن‌ها در حل مسئله تحقیق کمک کند. این تنوع در روش‌های تحقیق به قوم‌نگاران اجازه می‌دهد تا زوایای تحقیق را به دقت بررسی و اظهارات خود را با دقت عمل بیشتری بیان کنند (Riemer, 2008).

● مشاهده: یکی از اصلی‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده در تحقیق قوم‌نگاری مشاهده^۱ است. برای استفاده از این روش، پس از انتخاب گروه یا مؤسسه مورد پژوهش، پژوهشگر باید تصمیم بگیرد که درباره هدف مورد بررسی چه توضیحی را به بررسی‌شوندگان بدهد و چگونه و به چه عنوانی وارد گروه مورد نظر شود. آیا باید به آن‌ها آشکارا بگوید که می‌خواهد بررسی‌شان کند و یا نقش دیگری را به خود ببندد و به ظاهر هدف دیگری را دنبال کند و هرگز هدف اصلی‌اش را آشکار نسازد (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳). از این رو پژوهشگر قوم‌نگار از روش‌های گوناگونی می‌تواند به گروه بپیوندد و مشاهدات خود را انجام دهد که در ادامه به انواع آن پرداخته شده است.

➔ مشاهده مشارکتی^۱ و غیر مشارکتی^۲: پژوهش قوم‌نگاری متکی بر کار میدانی است و پژوهشگر بیشتر اوقات خود را در میدان می‌گذراند و روش اصلی آن مشاهده مشارکتی است. اما اجرای این فن می‌تواند به صورت مشاهده غیر مشارکتی نیز صورت پذیرد. پژوهشگر در مشاهده مشارکتی به مثابه عضو کنشگر و مؤثر عمل می‌کند، در حالی که در مشاهده غیر مشارکتی به مثابه فرد غیر عضو فقط مشاهده می‌کند (هومن، ۱۳۸۵). اگر پژوهشگر بخواهد به طور عمیق در محیط اجتماعی نفوذ کند، نقش مشارکت کامل در زندگی روزمره آزمودنی‌ها را به خود می‌گیرد؛ ولی، اگر در پی آن باشد که فقط رویدادها و فرایندها را مشاهده کند و از درگیر شدن در تعاملات با آزمودنی‌ها اجتناب کند، نقش مشاهده غیر مشارکتی را ایفا می‌کند (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳). مشاهده مشارکتی و غیر مشارکتی در دو سر یک طیف قرار می‌گیرند؛ به همین دلیل، بسیاری از قوم‌نگاران با توجه به شرایط و نوع کار میدانی از ترکیبی از این دو نوع استفاده می‌کنند (Riemer, 2008). در مشاهده مشارکتی پژوهشگر تلاش می‌کند تا به طور کامل در زندگی و فعالیت‌های آزمودنی‌ها مشارکت کند و به این ترتیب به صورت عضوی از گروه سازمان یا اجتماع در می‌آید. هدف از این گونه مشاهدات افزایش نظر شخصی محقق درباره آنچه اتفاق می‌افتد است. به این صورت که پژوهشگر، علاوه بر آنچه اتفاق می‌افتد و می‌بیند، آنچه را احساس می‌کند نیز منعکس می‌کند (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳؛ Genzok, 2004). یکی از چالش‌های پیش روی این روش ترکیب مشاهده و مشارکت است. از این رو مشارکت همیشه این خطر را در بر دارد که محقق ممکن است به فردی بومی تبدیل شود. این نگرانی، که از خود انسان شناسان سرچشمه می‌گیرد، ممکن است منجر به این شود که محقق در زندگی مردم مورد بررسی بیش از اندازه درگیر شود و، در نتیجه آن، فاصله‌ای را که بخش ضروری نقش مشاهده‌گر مشارکت‌کننده است از دست بدهد و نتواند، به مثابه فردی بیرون از گروه، واقعیت‌ها

1. Participant Observation

2. Unparticipant

را به خوبی منعکس کند (مک نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶؛ Genzük, 2004). البته اینکه تا چه حد پژوهشگر به مشارکت‌کننده‌ای کامل تبدیل شود بستگی به ماهیت گروه مورد بررسی دارد. البته باید اشاره کرد که بسیاری از قوم‌نگاران معتقدند که برای بررسی گروه باید به یکی از اعضای آن گروه تبدیل شد. آن‌ها بیان می‌کنند که پژوهشگر قوم‌نگار باید هم‌زمان در داخل و خارج از گروه قرار گیرد تا بتواند کار خود را به درستی انجام دهد (Genzük, 2004). مشاهده مشارکتی همیشه روش اصلی قوم‌نگاران بوده است؛ این روش غالباً با گردآوری داده‌ها از منابع دیگر، به‌ویژه از طریق مصاحبه‌های غیر رسمی یا بدون ساختار، همراه است. در واقع، عبارت «مشاهده مشارکتی» گاهی به جای قوم‌نگاری یا کار میدانی آورده می‌شود، که گمراه‌کننده است. از این رو باید یادآوری کرد که مشاهده مشارکتی فقط یکی از روش‌های گردآوری داده‌هاست و تمام روش‌هایی را که در تحقیق میدانی استفاده می‌شود در بر نمی‌گیرد (مک نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶).

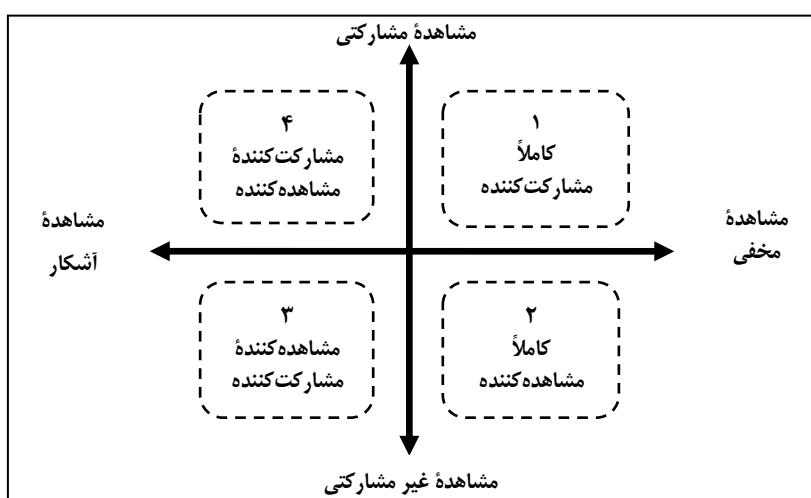
➔ **مشاهده آشکار^۱ و پنهان^۲:** این دو نوع مشاهده ناظر به این است که آیا آزمودنی‌ها از حضور پژوهشگر آگاه هستند یا اینکه هدف واقعی مشاهده‌کننده مخفی است (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳). به بیانی دیگر، پژوهشگر باید تصمیم بگیرد که اعضای گروه را در جریان پژوهش خود بگذارد و یا اینکه اعضای گروه از وجود آن بی‌خبر باشند. در واقع، هنگامی که مشاهده آشکار باشد، در هر دو نوع مشاهده مشارکتی و غیر مشارکتی امکان واکنش وجود دارد (هومن، ۱۳۸۵). برای استفاده از مشاهده پنهان دو دلیل عمده وجود دارد: نخست اینکه استدلال می‌شود، اگر افراد بدانند که تحت مشاهده هستند، به طوری کاملاً متفاوت عمل می‌کنند؛ از این رو، اگر مشاهده به صورت طبیعی صورت نگیرد، میزان روایی طبیعی^۳ تحقیق کاهش می‌یابد. همچنین در گونه‌های متعدد قوم‌نگاری نوعی وسواس برای حذف آثار پژوهشگر بر داده‌ها وجود دارد (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳). برای تحقق این هدف آرمانی راهبردهای

1. Apparent Observed

2. Hide

3. Ecological Validity

متفاوتی استفاده می‌شود که دارای دو بُعد مهم هستند؛ نخست، حذف واکنش آزمودنی به ویژگی‌های شخصی پژوهشگر و متون پژوهش و، دوم، اجتناب از تحمیل چارچوب ذهنی منحصر به فرد پژوهشگر بر داده‌ها (همان منبع). دلیل دیگر استفاده از مشارکت مخفی این است که، اگر آزمودنی‌ها از حضور پژوهشگر آگاه باشند یا واقعیت پژوهش را بدانند، اجرای پژوهش میسر نخواهد شد. به یقین، در چنین شرایطی، از مخفی کردن نیت تا حدی از لحاظ اخلاقی می‌توان دفاع کرد. در عین حال، در مشاهده مخفی، چون پژوهشگر عضو عادی تصور می‌شود، مسلماً ممکن است آزادی عمل او محدود شود (همان منبع). در مواردی نیز، برای انتخاب نوع مشاهده، محقق به مشکل برمی‌خورد. یک جنبه از مشکل زمانی است که محقق باید تصمیم بگیرد که آیا باید برای بررسی گروه تبهکار در فعالیت‌های تبهکارانه آن‌ها مشارکت کند یا خیر.



شکل شماره (۲): میزان درگیری محقق در میدان پژوهش

این امر خطری است که همیشه برای محققان مخفی پیش می‌آید (مک نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶). دو گزینه بسیار مهم، که پژوهشگر باید در آغاز کار میدانی مد نظر

قرار دهد، میزان مخفی نگه داشتن پژوهش و میزان تعامل پژوهشگر با اعضا از طریق ایفای نقش در سازمان است. گلدنر (۱۹۵۹) مفهوم‌سازی مهمی از این گزینه‌ها عرضه کرده است، که در سال ۱۹۹۶ جانکر آن را اصلاح کرد. این طبقه‌بندی از نقش‌های چهارگانه را در شکل شماره (۲) ملاحظه می‌کنید. اگرچه گلدنر محاسن و معایب متنوع هر نقش را به طور سازنده‌ای عرضه کرده است ولی باید تأکید کرد که این گزینه‌ها تا حد زیادی به اهداف تحقیق، مهارت‌ها و تجربه پژوهشگر و ماهیت محیط اجتماعی مورد بررسی بستگی دارد.

➔ مشاهده مستقیم^۱ و غیر مستقیم^۲: منظور از این نوع مشاهده روشی است که به معنای دقیق بر مشاهده چشمی مبتنی است. روش‌های مشاهده مستقیم فقط روش‌های تحقیق رفتاری هستند که رفتارها را در هنگام وقوعشان، بدون واسطه سند یا شهادت، به دام می‌اندازند. بر عکس، در روش‌های دیگر، رویدادها، وضعیت‌ها یا پدیده‌های پژوهش شده بر مبنای اظهارات کنشگر یا نشانه‌های برجامانده از شاهدان مستقیم یا غیر مستقیم بازسازی می‌شود (کیوی و کامپنهود، ترجمه نیک‌گهر، ۱۳۸۱). از این رو مشاهده مستقیم در قوم‌نگاری حایز اهمیت است و در چنین شیوه‌ای پژوهشگر به طور مستقیم رفتار آزمودنی‌ها را مشاهده می‌کند و به سخنان آن گوش فرامی‌دهد. ولی محقق قوم‌نگار ممکن است، برای دسترسی به اطلاعات اولیه، به مشاهده غیر مستقیم رویداد نیز بپردازد، که فردی مطلع به صورت شفاهی و یا نوشتاری به وی می‌دهد (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳). ممکن است نقش مشاهده‌گر به مثابه مشارکت‌کننده به طور خاص بر مصاحبه با مطلعان درباره رویدادهایی که پژوهشگر نمی‌تواند آن‌ها را مشاهده کند، متکی باشد. همچنین ممکن است مشاهده‌کننده‌ای به طور خاص بر استفاده از مستندات متنوع سازمانی یا داده‌های دست دوم برای تکمیل داده‌های دست اول گردآوری شده از طریق مشاهده متکی باشد (همان منبع). با این حال، تمامی حالات مفروض بیانگر این امر است که محقق باید انتخاب کند که برای جمع‌آوری اطلاعات کدام رویکرد را برگزیند.

1. Direct Observation

2. In Direct

● **مصاحبه:** مصاحبه‌های عمیق^۱ ابزار دیگری برای کار میدانی هستند. مصاحبه جریان مبادله واقعی است که، طی آن، مخاطب محقق دریافت‌ها و برداشت‌هایش را از رویداد یا از وضعیت بیان می‌کند؛ تجربیاتش را در میان می‌گذارد؛ تفسیرهایش را از مسئله بیان می‌کند؛ در همان حال، محقق با طرح پرسش‌های باز و با واکنش‌های این بیانات را تسهیل می‌کند و نمی‌گذارد آن‌ها از هدف‌های تحقیق دور شوند و به مخاطبش اجازه می‌دهد به مراتب بالاتری از حقیقت برسد (کیوی و کامپنهود، ترجمه نیک‌گهر، ۱۳۸۱). در مصاحبه عمیق، مصاحبه‌گر، که قبلاً در کارگاهی آموزشی با اهداف پژوهش آشنا شده است، با تکیه بر چند موضوع کلی که محورهای اصلی مصاحبه است، سعی در آشکار نمودن معانی ذهنی مصاحبه‌شوندگان در پژوهش دارد (احمدی و نیکپور قنواتی، ۱۳۸۴). از این رو مصاحبه‌های عمیق از اصلی‌ترین ابزارهای تحقیقات قوم‌نگاری هستند؛ اما در تحقیقات کیفی مصاحبه دارای انواع مختلف دیگری نیز هست که از جمله آن‌ها می‌توان به مصاحبه ساختاریافته، نیمه‌ساختاریافته و باز اشاره کرد (Weiss, 1994). مصاحبه‌های ساختاریافته به طور کلی مصاحبه‌هایی با رسمیت بالا شناخته می‌شود که معمولاً همراه با پرسش‌نامه و سؤالات مشخص صورت می‌گیرد. در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مصاحبه‌گر فهرستی از سؤالات را به همراه دارد، اما تا حدودی اجازه می‌دهد که سؤالات از مسیر خود خارج شود؛ در مصاحبه‌هایی که به صورت باز صورت می‌گیرد مصاحبه‌گر یک یا چند موضوع را در نظر می‌گیرد و درباره آن‌ها گفت‌وگو می‌کند؛ اما معمولاً میدان به خود مصاحبه‌شونده سپرده می‌شود تا ابتکار عمل را به دست گیرد (Hitchcock & Hughes, 1989).

قوم‌نگاران معمولاً مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته^۲ را ترجیح می‌دهند؛ زیرا این نوع مصاحبه اجازه می‌دهد که گفت‌وگو به صورت کنترل‌شده‌ای به سمت موضوعات مورد نظر پیش رود. محققان قوم‌نگار با استفاده از مصاحبه به طبقه‌بندی و سازماندهی ادراک افراد از واقعیت می‌پردازند. از این رو در این نوع مصاحبه، با توجه به اینکه از رسمیت کمتری برخوردار است، مطلعان موضوع می‌توانند از سؤالات انتقاد کنند، آن‌ها را اصلاح

1. In- Dept Interview

2. Semi- Structured Interviewing

کنند، به بیان نکات مهم موضوع بپردازند و سرانجام به مطالبی که می‌خواهند جواب دهند. از این رو بهترین نوع مصاحبه در قوم‌نگاری بیشتر شبیه به نوعی گفت‌وگو است. محققان قوم‌نگار، در طی مصاحبه، واکنش‌ها، سؤالات و پاسخ‌ها را برای افراد روشن می‌کنند؛ از این رو محقق میدانی به مصاحبه به دید گفت‌وگویی طولانی مدت می‌نگرد (Riemer, 2008).

به زعم گنزوک (۲۰۰۴)، هیچ روش واحدی برای مصاحبه وجود ندارد که بتواند در تمامی شرایط با موفقیت همراه شود. همچنین هیچ گونه سؤالات متحدالشکلی وجود ندارد که بتواند نیاز هر نوع مصاحبه را تأمین کند و این ارزیابی وضعیت است که نوع مصاحبه و سؤالات آن را مشخص می‌کند. یکی از مشکلات رایج در مصاحبه دروغ گفتن مصاحبه‌شونده و بیان نکردن واقعیت است؛ زیرا در برخی از موارد در مصاحبه فضایی ایجاد می‌شود که فرد می‌خواهد بهترین اطلاعات را بازگو کند و این امر منجر به تحریف حقیقت می‌شود. از این رو هیچ دستورالعمل واحدی برای مصاحبه وجود ندارد (همان منبع)؛ اما برخی از نکات در ادامه آورده شده است که می‌تواند راهنمای خوبی برای مصاحبه موفقیت‌آمیز باشد.

- در طول مصاحبه این هدف را مد نظر قرار دهید که اطلاعات استخراج‌شده را بتوانید تجزیه و تحلیل کنید.
- اصل اساسی در مصاحبه‌های کیفی این است که مصاحبه‌گر چارچوبی را تدوین کند تا مصاحبه‌شونده پاسخ‌های خود را در قالب آن بازگو کند.
- قبل از هر مصاحبه شناخت کافی از روش مصاحبه و نیز نقاط ضعف و قوت هر یک داشته باشید.
- انتخاب نوع مصاحبه و یا ترکیبی از آن‌ها باید بیشترین مناسبت را با هدف پژوهش داشته باشد.
- در طول مصاحبه باید به تمامی اطلاعاتی که می‌تواند به پژوهش کمک کند توجه کنید؛ این اطلاعات معمولاً شامل اطلاعات رفتاری، عقاید، احساسات، میزان دانش، اطلاعات حسی و نیز اطلاعات قبلی مصاحبه‌شونده می‌شود (Patton, 1987).

مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات

در تحقیق قوم‌نگاری، تحلیل عبارت است از تنظیم داده‌های حاصل از مشاهده، مصاحبه، اسناد و مدارک و سایر منابع در مقوله‌های مورد نظر و یافتن رابطه‌ای میان آن‌ها. این عمل شامل بررسی منظم، بینش خلاق و نیز توجه دقیق به اهداف پژوهش است. این مرحله از تحقیق فرایندی تفسیری و مفهومی است. این فرایند با جمع‌آوری داده‌های خام و به‌دست آوردن بینش و تصویری کلی از تحقیق آغاز می‌شود. تجزیه و تحلیل فرایند سازماندهی به الگوهای ذهنی، دسته‌بندی داده‌ها و توصیف اطلاعات است. در این مرحله باید تمامی کلمات، لحن‌ها، پاسخ‌ها، عکس‌العمل‌ها، تکرارها و دیدگاه‌ها لحاظ شود. همچنین در این بخش باید اطلاعات غیر ضروری را نیز حذف کرد (Krueger, 1994). در واقع، محقق در گزارش جامع باید به میزان زیادی از اطلاعات بکاهد. توجه به این مطلب ضروری است؛ زیرا تحلیل‌گر سعی می‌کند مطالبی را عرضه کند که خوانندگان بپذیرند و هنگام مطالعه بی‌حوصله از آن عبور نکنند. این فرایند به عنوان «عذاب حذف» برای محقق نامیده می‌شود. به بیانی دیگر، این حذفیات مطالبی است که می‌باید در تحقیق وجود داشته باشد، اما محققان فقط به دلیل حوصله خوانندگان آن را حذف می‌کنند (Riemer, 2008). تجزیه و تحلیل داده‌های قوم‌نگاری شامل جست‌وجوی الگوها و ایده‌های پیشین — که به توضیح الگوهای موجود کمک خواهد کرد — می‌شود. از این رو اغلب از تجزیه و تحلیل محتوا برای استخراج داده‌های متنی استفاده می‌شود.

تحلیل محتوا^۱ در قوم‌نگاری به منظور مستندسازی ارتباطات معنایی و نیز بررسی ارتباطات نظری صورت می‌گیرد. ویژگی متمایز این تحلیل محتوا واکنشی بودن و طبیعت تعاملی محقق در جمع‌آوری مفاهیم و تجزیه و تحلیل داده‌هاست، به طوری که محقق به طور مستمر در بطن کار قرار می‌گیرد؛ همین مطلب مرز جداسازی این نوع تحلیل محتوا با تحلیل محتوای پژوهش‌های کمی است.

تحلیل محتوای قوم‌نگاری متشکل از حرکت واکنشی میان توسعه مفهومی، نمونه‌برداری، جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌نویسی و، سرانجام، تفسیر و تحلیل اطلاعات است. هدف از طی

این مراحل نظام‌مند و تحلیلی بودن تحقیق است؛ البته این مراحل به صورت انعطاف‌پذیری صورت می‌گیرد. در ابتدای پژوهش، دسته‌بندی متغیرها راهنمای کار است، اما در طول پژوهش وضعیت تغییر می‌کند و دیگر داده‌ها نیز مد نظر قرار می‌گیرد. تحلیل محتوای قوم‌نگاری به منظور کشف و مقایسه وضعیت مربوط به تنظیمات، روش‌ها، تصاویر، معانی و نکات جزئی ایجاد شده است (Glaser & Strauss, 1967). از این رو، برای رسیدن به این منظور، این تحلیل از داده‌های عددی و روایتی به جای داده‌های اجباری و دسته‌دومی، که در تحلیل محتوای پژوهش‌های کمی به کار برده می‌شود، استفاده می‌کند. این تحلیل محتوا به طور هم‌زمان محوری برای بررسی، تکمیل و نظریه‌هاست، تا اطلاعات را دسته‌بندی نماید و ساختار تحلیلی مناسبی برای دیگر تحقیقات موردی فراهم کند (Schwartz & Jacobs, 1979). علاوه بر این، اطلاعات کدگذاری مفهومی می‌شود و ممکن است یک داده به چندین هدف مرتبط شود. در مجموع می‌توان گفت موارد و موضوعات شمارش می‌شوند و در دسته‌بندی‌های جدید قرار می‌گیرند؛ از این رو تحلیل محتوای قوم‌نگاری اطلاعات توصیفی خوبی فراهم می‌کند (Altheide, 1987).

مرحله نوشتن گزارش تحقیق و نتیجه‌گیری

در این مرحله تحقیق، پژوهشگر در موقعیتی است که می‌تواند اندیشه‌هایش را به آزمون کشد و الگوهای رفتاری را تشخیص دهد. در این مرحله است که صورت پایانی گزارش قوم‌نگاری آغاز به شکل‌گیری می‌کند و سرانجام باید پژوهشگر گروه مورد بررسی‌اش را ترک کند (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳).

قوم‌نگاری تحقیقی محلی است و محقق برای جمع‌آوری اطلاعات منطقه کوچکی را بررسی می‌کند؛ این امر موجب می‌شود تا محقق کاملاً بر موضوع اشراف یابد (Marcus, 1998). این مطلب باعث می‌شود قوم‌نگاران بر روی موضوع کاوشی عمیق کنند؛ این امر یکی دیگر از جنبه‌های تحقیقاتی قوم‌نگاری است. از این رو قوم‌نگاران معمولاً در تجزیه و تحلیل اطلاعات از به‌کاربردن اصطلاحاتی نظیر «نمونه» و یا «نمایندگی» پرهیز می‌کنند؛ نیز هنگامی که می‌خواهند فراتر از اطلاعات به‌دست آمده نظر دهند، بسیار محتاطانه عمل می‌کنند (Riemer, 2008).

در تحقیق قوم‌نگاری، پس از طی این مراحل، عرضه نظریه در میدان تحقیق آغاز می‌شود؛ یادداشت‌هایی که در طی کار میدانی برداشته شده است جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌شود و محققان آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنند. از این رو، هنگام نوشتن، استفاده از یادداشت‌های میدانی ضروری است؛ اما این کار برای قوم‌نگاران بسیار سخت و وقت‌گیر است. در ابتدای کار، به مثابه قاعده‌ای کلی، قوم‌نگاران باید یادداشت‌های خود را به صورت منظم طبقه‌بندی کنند. این یادداشت‌ها شامل مشاهدات، برداشت‌ها، احساسات و نیز سؤالاتی می‌شود که در طی کار به وجود آمده است. محقق هرگز نباید صرفاً بر روی حافظه‌اش اعتماد کند و نیز بسیار ضروری است که تاریخ نوشته‌ها یادداشت شود (Myers, 1999). همچنین بسیار اهمیت دارد که یادداشت‌ها خیلی زود نوشته شود، همان روز و یا حداقل روز بعد از یادداشت‌برداری. از این طریق محقق می‌تواند مطالب را جامع‌تر منعکس کند. هنگام نوشتن لازم است که مختصرنویسی رعایت شود؛ همچنین محقق باید تندنویسی و مکث میان جملات را ترکیب کند تا اطمینان خاطر حاصل کند که مطالبش خوانا و قابل فهم است (Palmer, 2001).

این مرحله انتشار گزارش تحقیق را نیز شامل می‌شود. مردمی که بررسی شده‌اند شاید علاقه‌مند باشند ببینند که درباره‌شان چه چیزی نوشته شده است؛ همین امر ممکن است بر شیوه نگارش محقق تأثیر بگذارد (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳). سرانجام محقق نتیجه کار تحقیقی خود را حاضر می‌کند و در قالب‌های مورد نظر در اختیار خوانندگان می‌گذارد. مسلماً در این مرحله رعایت دقیق اصول اخلاقی در ارائه گزارش تحقیق می‌تواند اعتبار آن را به صورت جدی افزایش دهد. اعتبار تحقیق قوم‌نگاری بر این اصل اساسی استوار است که آزمودنی‌ها، افراد یا گروه مورد پژوهش تا چه حد گزارش تحقیق را به عنوان شرح راستین شیوه زندگی خود می‌پذیرند.

همان‌طور که روش‌های مختلفی برای اجرای تحقیق قوم‌نگاری وجود دارد، برای نوشتن آن نیز روش‌های نگارشی گوناگونی وجود دارد. کار قوم‌نگاران توصیفی عمیق از رویداد، تجربه و یا صحنه است؛ برای نوشتن آن نیز قلمی چندبعدی، غنی و چارچوبمند لازم است. با وجود این، قوم‌نگاری را به راحتی نمی‌توان توصیف کرد؛ زیرا گاهی اوقات، هنگام توصیف،

باورها و نگرش‌های محقق بر چارچوب‌های نظری غلبه می‌کند. در این انتقال داده‌های خام به چارچوب‌های نظری، هدف گسترش فضای تحقیقی به فضای توصیفی است؛ به بیانی دیگر، وظیفه قوم‌نگاران عرضه نظریه است (Riemer, 2008). از این رو، بر خلاف محققان دیگر، که باید برای اثبات ادعا و فرضیه‌های خود شواهدی خارج از چارچوب تحقیق جمع‌آوری کنند، قوم‌نگاران باید کار خود را با اطلاعاتی آغاز کنند که الگو و قانون است. سپس محققان فرضیات اولیه خود را عرضه می‌کنند، نتیجه‌گیری می‌کنند و نظریه خود را عرضه می‌کنند. این روش تحلیلی از مشاهدات جزئی شروع و به تعمیم نظریه‌های کلان ختم می‌شود. این حرکت از داده به نظریه «نظریه بنیادی» نامیده می‌شود (Glaser & Strauss, 1967). توضیح کامل‌تر این روش را پویا و طباطبائی (۱۳۹۰) آورده‌اند.

مرحله بررسی روایی و پایایی تحقیق

در آخرین مرحله، هنگام انتشار یافته‌های تحقیق، محقق باید بیشترین دقت و اخلاق را برای افزایش اعتبار کار خود به کار گیرد. آزمون اعتبار توصیف قوم‌نگاری این است که آیا موضوع‌های مورد تحقیق این توصیف را به مثابه شرح راستین شیوه زندگی‌شان می‌پذیرند یا خیر. محقق نباید هر گونه پیش‌فرضی را بر موضوع مورد بررسی‌اش تحمیل کند؛ وی باید اجازه دهد که نظریه یا فرضیه‌اش بر پایه آنچه مشاهده و ثبت کرده است شکل گیرد (مک‌نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶). بدین صورت است که روایی و اعتبار تحقیق قوم‌نگاری افزایش می‌یابد. در واقع، می‌توان گفت قوم‌نگاری از لحاظ روایی و یا همان اعتبار طبیعی بسیار قوی است. بدین معنا که این تحقیق به‌شدت بر تثبیت و نگهداری شرایط طبیعی در تحقیق تأکید می‌کند. به همین منظور، برای محقق دستورالعمل‌هایی صادر می‌شود که، با رعایت آن‌ها و به‌ویژه با توجه و تأکید بر اخلاق علمی و بدون تعصب‌ورزی و پیش‌داوری، شرایط طبیعی محفوظ می‌ماند و اعتبار طبیعی تحقیق افزایش می‌یابد.

کاربردهای روش قوم‌نگاری

قوم‌نگاری، به مثابه روش تحقیق مردم‌شناسی (انسان‌شناسی)، در کنار دیگر روش‌های پژوهش کیفی، در حوزه تحقیقاتی علوم اجتماعی و نیز علوم انسانی بسیار گسترش یافته است.

توانایی این رویکرد در ژرف‌نگری و بررسی وقایع از زوایایی که دیگر روش‌ها نمی‌توانند آن را بسنجند منجر به وسعت کاربرد آن در زمینه‌های مختلف شده است و این مطلب محققان و نویسندگان را واداشته است تا مقالات متنوعی را در این زمینه منتشر کنند. از این رو در این بخش از مقاله به معرفی برخی از کاربردهای این تحقیقات در حوزه‌های کاری مختلف می‌پردازیم.

از جمله کاربردهای تحقیق قوم‌نگاری می‌توان به این موارد اشاره کرد: بررسی شکل‌گیری سیستم‌های اطلاعاتی؛ بررسی جنبه‌های مدیریت فناوری (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳) و بررسی سیستم‌های اطلاعاتی با استفاده از پژوهش قوم‌نگاری (Myers, 1999)؛ قوم‌نگاری شبکه‌ای و کاربرد آن در سازمان‌های فرارسانه (Howard, 2002)؛ اجرای قوم‌نگاری کسب‌وکار در تهیه پروژه‌های جهانی نرم‌افزار (Boden et al., 2011)؛ مردم‌نگاری و کاربرد آن در ارتباطات (بهرامپور، ۱۳۸۷)؛ به کارگیری قوم‌نگاری مشارکتی به منظور استخراج الزامات شناختی و عاطفی تیم‌ها؛ به کارگیری قوم‌نگاری در استخراج نیازهای در حال توسعه ابزار تلفن همراه (Shahidi & Kasirun, 2009)؛ به کارگیری فیلم قوم‌نگاری به منظور طراحی حرکات رباط (Song et al., 2009)؛ مردم‌نگاری پوشاک سنتی سمنان (مشیری، ۱۳۷۸)؛ کاربرد قوم‌نگاری در بررسی انحرافات اجتماعی؛ بررسی مجرمان خیابانی، گروه‌های روسپی و خرده‌فرهنگ‌های منحرفان و بزه‌کاران (احمدی و نیکپور قنواتی، ۱۳۸۴)؛ مردم‌نگاری و ترک مواد مخدر در مصرف‌کنندگان کراک و کوکائین (Briggs, 2011)؛ روش‌های قوم‌نگارانه در تحقیقات سیاسی (De volo & Schatz, 2004)؛ قوم‌نگاری سیاسی و انتقال محافظه‌کارانه آن از طرح به بازار (Fforda, 2008)؛ تحلیل میان‌جنسیت، حقوق و اسلام با به کارگیری قوم‌نگاری (Mir Hosseini, 2004)؛ کوچ‌نشینان و کوچ‌نشینی در ایران پس از انقلاب با رویکرد قوم‌نگاری (Shahshahani, 2003)؛ قوم‌نگاری در انسان‌شناسی شهری (فکوهی، ۱۳۸۳)؛ سینمای قوم‌نگاری (عادل، ۱۳۷۵) و به کارگیری قوم‌نگاری به منظور گیاه‌شناسی (فرهادی، ۱۳۸۴).

همان‌طور که ملاحظه کردید، تحقیقات قوم‌نگاری کاربردهای گوناگونی دارد و در طیف وسیعی از حوزه‌های تحقیقاتی می‌توان از آن استفاده کرد. از این رو، با گذشت زمان، این

روش پژوهش کیفی در حوزه کاری مدیریت و فرهنگ سازمانی نیز جای خود را باز کرده و این امکانات را به منصفه ظهور گذاشته است.

نقاط قوت و ضعف روش قوم‌نگاری

قوم‌نگاری، بر اساس روش‌شناسی علمی، با هدف توصیف عمیق و فشرده از موضوعات مورد پژوهش، برای یافتن جواب دقیق به چستی کارها، صورت می‌گیرد. در این مسیر می‌توان بر اساس ماهیت این تحقیق به مزایا و معایب آن توجه جدی نمود تا این روش علمی تحقیق بر اساس ارزیابی این موارد استفاده شود.

● **نقاط قوت قوم‌نگاری:** یکی از بارزترین جنبه‌های تحقیقات قوم‌نگاری عمیق^۱ بودن آن است. از آنجا که محقق قوم‌نگار مدت زمان زیادی را در میدان تحقیق می‌گذراند، توانمند می‌شود که رفتار و اعمال افراد مورد پژوهش را به خوبی مشاهده کند. از این رو، با گذشت زمان، محقق درک عمیقی را از آنچه افراد و نیز گروه در حیطه کارشان انجام می‌دهند به دست می‌آورد (Myers, 1999). این مشاهده مستقیم، به مثابه فن غالب در جمع‌آوری اطلاعات قوم‌نگاری، باعث می‌شود که، به جای اتکا بر اطلاعات دست دوم، بر مجموعه یافته‌های به دست آمده از مورد پژوهش در میدان تحقیق تمرکز شود (ایمانی، ۱۳۸۱). علاوه بر این، آگاهی از آنچه در میدان اتفاق می‌افتد اطلاعات مهمی را برای به چالش کشیدن فرضیات تحقیق فراهم می‌کند.

یکی دیگر از نقاط قوت تحقیقات قوم‌نگاری بالا بودن اعتبار طبیعی در آن است. بدین معنا که در این تحقیق به شدت بر تثبیت و نگهداری شرایط طبیعی در تحقیق تأکید می‌شود. به همین منظور برای محقق دستورالعمل‌هایی صادر می‌شود که با رعایت آن‌ها و به ویژه با توجه و تأکید بر اخلاق علمی و بدون تعصب‌ورزی و پیش‌داوری شرایط طبیعی محفوظ می‌ماند و اعتبار طبیعی تحقیق افزایش می‌یابد (ایمانی، ۱۳۸۱).

● **نقاط ضعف قوم‌نگاری:** یکی از اصلی‌ترین معایب قوم‌نگاری این است که، نسبت به انواع دیگر پژوهش، به زمان بیشتری نیاز دارد (Stewart, 1998; Myers, 1999). در این

صورت، علاوه بر زمان زیادی که برای انجام دادن کار میدانی صرف می‌شود، مدت زمان زیادی را نیز باید صرف تجزیه و تحلیل اطلاعات و نوشتن آن کرد. با وجود این، با توجه به حجم اطلاعاتی که به کار برده می‌شود، یافته‌های تحقیقاتی بسیار مفیدی نیز استخراج می‌شود.

یکی دیگر از معایب تحقیقات قوم‌نگاری محدود بودن حجم نمونه است. بر خلاف نظرسنجی‌های گسترده، قوم‌نگاران فقط به بررسی یک فرهنگ، گروه و یا سازمان می‌پردازند. در واقع این محدودیت یکی از انتقادات وارد بر تحقیقات قوم‌نگاری است؛ زیرا نمی‌توان نتایج آن را تعمیم داد و نظریه‌ای کلی از آن استخراج نمود (Agar, 1986; Myers, 1999). بعضی از منتقدان گامی جلوتر رفته‌اند و معتقدند توسعه‌ی الگوهای کلی از پژوهش‌های قوم‌نگاری غیر ممکن است.

از دیگر انتقادات وارد شده بر تحقیقات قوم‌نگاری این است که قوم‌نگاران مطلعان موضوع را به صورت نمونه‌گیری و تصادفی انتخاب نمی‌کنند و بیشتر به دنبال ایجاد رابطه با افراد و برقراری اعتماد متقابل هستند؛ از این رو از این طریق اطلاعات مغرضانه وارد تحقیق می‌شود. اگر محققان بخواهند اعتبار آماری کار را افزایش دهند باید از نمونه‌گیری مغرضانه دست بکشند. از طرف دیگر نمونه‌گیری تصادفی می‌تواند منجر به نادیده گرفتن برخی از مطلعان، که می‌توانند کمک زیادی به پیشبرد تحقیق کنند، شود (Stewart, 1998). سرانجام یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های تحقیقات قوم‌نگاری انتشار نتایج است. به دلیل حجم بالای اطلاعات و نیز گاهی از اوقات رویکرد داستان‌نویسی در قوم‌نگاری، معمولاً نتایج تحقیقاتی آن بسیار طولانی است. این امر باعث می‌شود تا محقق با انباشتگی اطلاعات مواجه شود و نیز مطالعه‌ی گزارش فراتر از حوصله‌ی خوانندگان آن باشد (Harvey & Myers, 1995).

قوم‌نگاری انتقادی

قوم‌نگاری انتقادی، با توصیفی از نظریه‌ی انتقادی و پارادایم انتقادی، روشی از قوم‌نگاری است که به دنبال تغییرات علم و دانش است (Creswell, 1998). نظریه‌ی انتقادی بیان می‌کند

که چگونه موضوعات اجتماعی، از جمله قدرت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و ... شکل می‌گیرد و چگونه به طور مستقیم و غیر مستقیم بر افراد تأثیر می‌گذارد. پارادایم انتقادی نیز به دنبال ترویج این است که اجتماع و جامعه تحت تأثیر زمینه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند (Lecompte & Schensul, 1999). تمرکز بر موشکافی، تفسیر و کاربرد دانش محلی به عمل به جای آزمایش فرضیات و نتایج از ویژگی‌های قوم‌نگاری انتقادی است. عناصر مشترک در میان تحقیق قوم‌نگاری و قوم‌نگاری انتقادی شامل مشارکت میان محققان و شرکت‌کنندگان در برنامه‌ریزی و تفسیر تحقیقات و سپس مشارکت در گسترش، اجرا و ارزیابی هر کدام از نتایج می‌شود (Averill, 2006).

قوم‌نگاری انتقادی پیامدهای مطلوب بسیاری دارد. همان‌طور که توماس^۱ (۱۹۹۳) بیان کرده است، یک راه رسیدن به منطق فکری مطلعان پرس‌وجوی فرهنگی است؛ این عمل در تحقیق قوم‌نگاری صورت نمی‌گیرد و به جای آن شیوه مستقیم تفکر درباره ارتباط میان علم، اجتماع و سیاست اجرا می‌شود. فرض اصلی بر این است که هر دو رویکرد می‌تواند علمی و انتقادی باشد و از این رو تحقیق قوم‌نگاری ابزار قدرتمندی برای موشکافی فرهنگی و افزایش نقش محقق عرضه می‌کند (Averill, 2006).

همان‌طور که در مباحث قبلی گفته شد، قوم‌نگاری بر بررسی عمیق فرهنگی به منظور بررسی فرایندهای فرهنگی و چگونگی ارتباط میان گروه‌ها و نیز تلاش برای پاسخ‌گویی و پی بردن به مشکلات انسان‌ها تأکید می‌کند. از این رو هدف اساسی قوم‌نگاری انتقادی تغییر گروه‌های اجتماعی از طریق عرضه نظریه‌های انتقادی و رفع ابهامات فکری و فرهنگی است. این رویکرد، با استفاده از گفت‌وگو، ابزاری برای درک کنش‌های افراد و چالش‌های روزمره آنان فراهم می‌کند (Quantz, 1992). این کنش‌ها به کاربردهای علوم نو، به کارگیری نظریه در عمل و همچنین تبدیل ایده به عمل اشاره می‌کنند. ویژگی‌های کنش‌گرانه شامل تعیین سرنوشت خود، سنجیده عمل کردن، خلاقیت و عقلانیت می‌شود. در واقع، کنش فعالیتی

1. Thomas

پیچیده است که، به موجب آن، افراد از حالت انتقادی به انسانی آگاه تبدیل می‌شوند (Gulati et al., 2011).

جمع‌بندی

قوم‌نگاری، به مثابه یکی از رویدادهای تحقیقاتی در علوم انسانی، با تمرکز بر شناخت دقیق از فرهنگ جامعه مورد پژوهش، توجه انسان‌شناسان و دیگر رشته‌های علوم انسانی را به خود جلب نموده است. قوم‌نگاری بر اساس پارادایم غالب در علوم انسانی (اثباتی، تفسیری و انتقادی)، اگرچه سابقه دیرین در انسان‌شناسی دارد، اخیراً به مثابه شیوه خاص تحلیل در چگونگی ادراک شیوه زندگی مردم جایگاه ویژه‌ای در دیگر علوم نیز پیدا کرده است. مسئله اصلی قوم‌نگار فراهم آوردن توصیفی است که با جهان‌بینی مشارکت‌کننده در محیط اجتماعی مورد بررسی تطابق داشته باشد. تبیین‌های کنش اجتماعی ممکن است بر مبنای چنین توصیفی به دست آید، اما هدف اصلی این نیست (مک نیل، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۶).

به هر رو، این شیوه تحقیقی نیز مشکلات گوناگون خاص خودش را دارد. تحقیق قوم‌نگاری کار پرزحمت و وقت‌گیری است و دست‌کم به چندین ماه و گاه چندین سال وقت نیاز دارد. هزینه پرداخت دستمزد محقق برای این مدت معمولاً سنگین است؛ به ویژه اگر محقق کار دیگری نداشته باشد. منتقدان قوم‌نگاری بر اعتمادناپذیری آن تأکید می‌کنند. در این نوع تحقیق، برای بازسنجی توصیف‌ها و نتیجه‌گیری‌های آن، هیچ راهی وجود ندارد. داوری در این باره که آیا محیط اجتماعی یا مردم مورد بررسی نمونه یا بازنمای جامعه بزرگ‌تری هستند امکان‌پذیر نیست. شاید محقق چندان در گروه مورد بررسی اش غرق گردد که نتواند فاصله ضروری را برای این نوع تحقیق حفظ کند. قوم‌نگاری ضرورتاً دید محدودی را درباره گروه یا نهاد مورد بررسی به دست می‌دهد، زیرا که محقق قوم‌نگار اصولاً نمی‌تواند آن محیط بزرگ‌تر را بررسی کند که محیط تحقیقی‌اش در آن جا گرفته است.

منابع:

الف- منابع لاتین

- Agar, Michael H. (1986). *Speaking of Ethnography*. Thousand Oaks, CA: Sage Publication.
- Altheide, David L. (1987). Ethnographic Content Analysis. *Qualitative Sociology*, 10(1) 65-77.
- Averill, Jennifer B. (2006). Getting Atarted: Initiating Critical Ethnography and Community-Based Action Research in a Program of Rural Health Atudies. *International Journal of Qualitative Methods*, 5(2).
- Baker, Keith (2005). *Hybrids, Paradigms and Boundary Spanning: A Conceptual Framework*. Birmingham University, Inistitute of Local Government Studies.
- Boden, Alexander, Muller, Claudia, & Nett, Berngard (2011). Conducting a Business Ethnography in Global Software Development Projects of small German Enterprises. *Information and Software Technology*, 53(9): 1012-1021.
- Briggs, Daniel (2011). Emotions, ethnography and crack cocaine users. *Emotion, Space and Society*, 5(1), 1-12.
- Caza, Brianna, & Caza, Arrana (2005). *Positive Organizational Scholarship: A Critical Theory Perspective*. University of Mishigan, Department of Psychology, www.Umich.com.
- Creswell, J. W. (1998). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Traditions*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Genzuk, Michael (2004). A Synthesis of Ethnographic Research. www-rcf.usc.edu/~genzuk/Ethnographic_Research.
- Gouldner, A. W. (1954). *Patterns of Industrial Bureaucracy*, New York: Free Press.
- Gulati, Sonia, Paterson, Margo, Medves, Jennifer, & Luce-Kapler, Rebecca (2011). Reflecting on the Methodological Aspects of a Critical Ethnographic Approach used to Inform Change for Adolescents with Disabilities. *The Qualitative Report*, 16(2), 523-562.

- Glauser, B. G., & Strauss, A. H (1967). *The Discovery of Grounded Theory*. Chicago, Aldine.
- Goulding, Christina (2005). Grounded Theory, Ethnography and Comparative Analysis of three Qualitative Strategies for Marketing Research. *European Journal of Marketing*, 39(3/4), 294-308.
- Harvey, Lynda J., & Myers, Michael D. (1995). Scholarship and Practice: The Contribution of Ethnographic Research Methods to Bridging the Gap. *Information Technology & People*, 8(3), 13-27.
- Howard, Philip N. (2002). Network Ethnography and the Hypermedia Organization: New Media, New organization, New Methods. *New Media & Society*, 4(4), 550-574.
- Hitchcock, G., & Hughes, D. (1989). *Research and the Teacher: A Qualitative Introduction to School-based Research*. London: Routledge.
- Iqbal, Rahat, James, Anne, & Gatward, Richard (2003). Designing with Ethnography: A Meta Level Approach to CSCWD. The 8th International Conference on Computer Supported Cooperative Work in Design Proceedings.
- Krueger, A. R. (1994). *Focus Groups: A Practical Guide for Applied Research*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Lowenberg, J. S. (1993). *Interpretive Research Methodology Broadening the Dialogue*. Department of community health care systems, University of Washington school of nursing, Seattle.
- Mir-hosseini, Ziba (2004). Sexuality, Rights and Islam: Competing Gender Discourses in Post Revolutionary Iran, From 1800 to the Islamic Republic, in: Lois Beck & Guity Nashat, dirs., *Women in Iran*. Urbana and Chicago, University of Illinois Press, 204-215.
- Myers, Michael D. (1999). Investigating Information System with Etunographic Research. *Communications of the Association for Information Systems*, 2(23).
- Palmer, Catherine (2001). Ethnography: A Research Method in Practice. *International Journal of Tourism Research*, 3 (4): 301-312.
- Patton, M. Q. (1987). *How to Use Qualitative Methods in Evaluation*, Newberry Park. CA: Sage Publications.

- Quantz, R. A. (1992). On Critical Ethnography (with Some Postmodern Considerations). In *The Handbook of Qualitative Research in Education* LeCompte, M. D., Millroy, W. L., & Preissle, J. Eds., 447-506.
- Riemer, Frances J. (2008). *Ethnography Research (Chapter 11)*. Lapan.
- Shashahani, Soheila (2003). Nomads and Nomadism in Post Revolutionary Iran. *Special Issue of Nomadic Peoples*, 7(2), 15-107.
- Shahidi, Sheyda, & Kasirun, Zarinah M. (2009). Using Ethnography Techniques in Developing a Mobile Tool for Requirements Elicitation. *International Conference on Information Management and Engineering*.
- Sommerville, Ian, Rodden, Tom, Sawyer, Pete, Bently, Richard, & Twidal, Michael (1992). *Integrating Ethnography into the Requirements Engineering Process*, IEEE.
- Song, Hyunsoo, Kim, Min Joong, Jeong, Sang-Hoon, Suk, Hyeon-Jeong, & Kwon, Dong-Soo (2009). *Design of Idle Motions for Service Robot via Video Ethnography*. International Symposium on Robot and Human Interactive Communication Yoyama, Japan.
- Stewart, Alex (1998). *The Ethnographers Method*. Thousand Oaks, CA: Sage Publication.
- Schwartz, H., Jacobs, J. (1979). *Qualitative Sociology*. New York: The Free Press.
- Weiss, R. S. (1994). *Learning from Strangers: The Art and Method of Qualitative Interview Studies*. New York: Free Press.
- Whitehead, Tony L. (2005). *Basic Classical Ethnographic Research Methods*. Professor of Anthropology and Director, The Cultural system Analysis Department of Anthropology, University of Maryland.

ب- منابع فارسی

- احمدی، حبیب و لیلا نیکپور قنواتی (۱۳۸۴). «کاربرد روش‌های کیفی در مطالعه انحرافات اجتماعی». نشریه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۲-۱.
- ایمانی، محمدتقی (۱۳۸۱). «تحقیق قوم‌نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، شماره ۴۵، صص ۶۲-۳۷.
- بی، ارل (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.

پویا، علیرضا و حسنیه طباطبایی (۱۳۹۰). «راهبرد کیفی پژوهش نظریه‌ی مفهوم سازی بنیادی: مفهوم پارادایم، ویژگی‌ها و مباحث تکمیلی»، *توسعه انسانی پلیس*، سال هشتم، شماره ۳۷، صص ۱۱-۳۸.

دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۳). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*، تهران: صفار.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، تهران: فرشیوه.

سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۲). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگاه. کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود (۱۳۸۱). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: دیبا.

گونتر، بری (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق رسانه‌ای: اندازه‌گیری مخاطبان، واکنش‌ها و تأثیر*، ترجمه مینو نیکو، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.

فرهادی، مرتضی (۱۳۸۵). «گیاه مردم‌نگاری با چکیده و نمونه‌هایی از گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی کمره»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۴-۳۵، صص ۹۶-۴۱.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نی.

عادل، شهاب‌الدین (۱۳۷۵). «ژان روش و سینمای قوم‌نگاری»، *نقد سینما*، شماره ۱۰.

مک نیل، پاتریک (۱۳۷۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: آگاه.

هومن، حیدر علی (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران: سمت.

